



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ - ۵ صفر ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۶۵۰ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب:

مردم مؤمن عراق
حماسه‌ای عظیم
و پرمعنا آفریدند

صفحه ۲

سرمقاله

جغرافیای تنگه گویا است

اگر به نقشه جغرافیای طبیعی کشور عزیزمان نگاه کنیم و به موقعیت «تنگه هرمز» در آن به‌دقت بنگریم، حقیقت مهمی آشکار می‌شود و آن اینکه تنگه هرمز نه یک آبراه صرف، بلکه ادامه‌ی طبیعی و غوطه‌ور شده‌ی پیکره‌ی فلات ایران است. با تکیه بر دو ویژگی بنیادین - یعنی تحذب (قوس) خط ساحلی به سمت داخل ایران و امتداد زمین‌شناختی بستر دریا از دل رشته‌کوه زاگرس - روشن می‌شود که این تنگه، جزئی تفکیک‌ناپذیر از قلمرو طبیعی فلات ایران محسوب می‌شود و هر گونه تفسیر دیگر، نادیده گرفتن حقایق مسلم جغرافیایی است.

تحذب (انحنای رو به شمال) در خط ساحلی ایران، فراتر از یک پدیده‌ی طبیعی، یک طرح هندسی هوشمندانه خدادادی در دل جغرافیا است که تسلط کامل ایران بر این گلوگاه را ممکن ساخته است. عمیق‌ترین و تنها مسیر قابل تردد برای ابرفت کشی‌ها درست در مجاورت رأس این قوس و جزایر ایرانی (قشم، لارک و هنگام) جای گرفته‌است. این یعنی عملاً «شاهرگ حیاتی» ترده، در غoš جغرافیای ایران جاری است و هیچ کشوری نمی‌تواند بدون عبور از زیر سایه‌ی این قوس، به خلیج‌فارس راه یابد. قوس مذکور، تنگه را به شکل یک کمان مقعر در آورده که جزایر استراتژیک بوموسی، تنب بزرگ و کوچک، قشم، لارک، هنگام و هرمز دقیقاً روی نوک این پیکان چیده شده‌اند. این جزایر که کارشناسان نظامی از آنها به‌عنوان «لواهای هواپیمابر نامتحرک» یاد می‌کنند، بدون نیاز به جابه‌جایی، میدان دید و تسلط ۳۶۰ درجه بر مسیر عبور کشتی‌ها دارند و حلقه‌ی اول دفاع از مرزهای آبی ایران را تشکیل می‌دهند.

عرض باریک کانال و وجود پهنه‌های رسوبی کم‌عمق در حاشیه قوس، هر گونه مانور ناوگان بیگانه را با محدودیت مواجه می‌سازد. در این شرایط، تاکتیک‌های نامتقارن نظیر «انبوه قایق‌های تندرو» و «کارگذاری مین‌های دریایی» به‌شدت کارآمد می‌شوند و ایران با تکیه بر شناخت کامل از بستر دریا، امنیت این آبراه را در اختیار دارد.

همچنین جمهوری اسلامی ایران با گسترش حوزه‌نظارت تابندر جاسک (در شرق تنگه)، این قوس را به یک «هلال کامل» تبدیل کرده است. بدین ترتیب، خط دفاعی از خود گلوگاه فراتر رفته و ایران توانایی شناسایی هر گونه تردد را کیلومترها قبل از ورود به خلیج‌فارس (در دریای عمان) داراست.

فراتر از اینها تنگه هرمز، از نظر زمین‌شناسی، چیزی جز ادامه‌ی غوطه‌ور شده‌ی رشته‌کوه زاگرس و بخشی از پیکره‌ی فلات ایران نیست. لایه‌های رسوبی و گنبدهای نمکی کف تنگه، کاملاً هم‌خوانی ساختاری با خشکی‌های جنوب ایران دارند و از همان فرآیندهای زمین‌ساختی نشئت گرفته‌اند که خود فلات ایران را شکل داده‌اند. از سویی خلیج‌فارس در دوران آخرین عصر یخبندان، بخشی از خشکی‌های فلات ایران بود و تنگه هرمز، درهای باستانی بوده که رودخانه‌های بزرگ (کارون و فرات) از آن عبور می‌کرده‌اند. این پیوستگی تاریخی، گواهی بر تعلق ذاتی این بستر به سرزمین ایران است.

دخایر هیدروکربن‌سوری هم گویای واقعیت است. میدان‌های عظیم نفت و گاز در بستر تنگه، ادامه‌ی طبیعی منابع موجود در خشکی‌های جنوب ایران هستند و این هم‌پیوستگی اقتصادی، بر ناگسستگی بودن ارتباط این پهنه با قلمرو ایران صحه می‌گذارد. تحذب قوس ساحلی و امتداد زمین‌شناختی بستر دریا، دو روی یک سکه هستند که تنگه هرمز را به بخشی جدایی‌ناپذیر از پیکره‌ی جغرافیایی ایران تبدیل کرده‌اند. از یک‌سو، هندسه‌ی میدان نبرده ایران این امکان را می‌دهد که به‌عنوان «روازمان» خلیج‌فارس، امنیت آبراه را تضمین کند و از سوی دیگر، تداوم طبیعی فلات ایران در زیر آب، هر گونه ادعای جدایی این پهنه از سرزمین مادری را از اساس بی‌اعتبار می‌سازد.

باین تفصیل فراتر از آنچه‌استعمارگران و قدرت‌های دریانوردی در معادلات نوشته‌اند، تنگه هرمز بخشی از واقعیت جغرافیایی ایران است و اصلاً مطرح موضوع مدیریت مشترک بر آن با وارد کردن کشور ساحلی جنوبی در آن خلاف جغرافیای طبیعی تنگه است. خداوند متعال تنگه هرمز را به شکلی آفریده است که در عمق فلات ایران و امتداد طبیعی آن باشد و همین ساختار جغرافیایی است که واقعیت سیاسی و حقوقی آن را معنادهی می‌کند. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر این حقایق مسلم جغرافیایی، همواره بر حاکمیت کامل خود بر این گلوگاه راهبردی تأکید داشته و هر گونه دخالت خارجی را مغایر با واقعیت‌های طبیعی و تاریخی این منطقه می‌داند.

صلح می‌خواهید باید بجنگید!

دعوای «جنگ یا مذاکره» که جدال غالب در میان فعالان سیاسی و هواداران آنان است، به‌واقع دعوایی پوچ و بیهوده است. کشاندن این دعوا به داخل مرزهای سیاسی بسیار ساده‌انگارانه و نابخشودنی است. مسئله این است که امریکا فارغ از اینکه ما در ایران طرفدار مذاکره باشیم یا طرفدار مقاومت و جنگیدن با دشمن، یک راهبرد بیشتر ندارد: جنگ! و درواقع تجاوز و ددمنشی. زیرا جنگ قواعد خود را دارد که امریکا به آن پایبند نیست.

پس وقتی چه ما تفاهم‌نامه امضا کنیم، چه نکنیم، برنامه امریکا با ما عوض نمی‌شود، چرا گروهی در داخل ناجوانمردانه هر تجاوز و آغاز جنگی را تقصیر یک جناح در داخل می‌اندازد و گروهی دیگر، رفتن پای میز مذاکره را عامل جنگ می‌داند؟!

ایران این روزها نشان می‌دهد که اگر تفاهم‌نامه‌ای امضا کرد، از هر زمان دیگری برای جنگ آماده‌تر بود و الان بسیار کامل و مسلط در حال فروکوفتن عقبه‌ی امریکا در منطقه است که می‌خواهد از آن فرضا برای حمله زمینی استفاده کند و همین دپروز اتفاقاً فرودگاه «عقبه» اردن به‌اهداف موشکی ایران اضافه و به آن شلیک شد. رفتن به مذاکره با هدف تثبیت دستاوردهای جنگ و رسیدن به امنیت پایدار، یا جنگیدن با همان هدف، نباید یک اختلاف پوچ در داخل ایجاد کند. هر کدام از آن دو، در روشی که ایران پیش گرفته است، پذیرفتنی است. باید جنگید و آماده مذاکره هم بود. کسانی که توافق می‌خواهند باید بدانند که یک توافق فقط با جنگیدن و نترسیدن از دشمن به دست می‌آید. و کسانی که می‌خواهند بجنگند باید بدانند در انتهای هر جنگی باید دستاوردها را از طریق مذاکره، پایدار و مستند کرد. رهبری انقلاب در پیام اخیر گفتند با خودتان اتحاد داشته باشید و به مسئولان کشور اعتماد. این یعنی تنها دشمن ما باید امریکا باشد و تنها هدف‌مان کوفتن سر متجاوزز به نام ترامپ به سنگ سخت و دادن درسی کامل به امریکا برای ابد.

اذعان مشاور پیشین اوباما

امریکا به مسیر دیپلماسی متعهد نبود

صفحه ۵

پیام بازدارندگی ایران به «عقبه» رسید

صفحه ۱۵

فرمانده قرارگاه خاتم:

به وحشی‌گری دشمن پاسخی ویرانگر خواهیم داد

صفحه ۲



طرح: حسین کشتکار | AI | جوان

از حاشیه تا متن
تقی دژاکام
رسانه‌داری و عقلانیت!
صفحه ۲
یادداشت سیاسی
مصطفی قزلبانی
صیانت از وحدت در برابر دشمن
صفحه ۲
یادداشت سیاسی
سیدعبدالله متولیان
مرزبانی اعتماد در جنگی که بمب و تهمت همزمان می‌بارد
صفحه ۵
یادداشت بین‌الملل
دکتر علی دادور
لجاجت‌ترامپ
قدرت خفته ایران را آشکار کرد
صفحه ۱۵

رمان‌ها به نجات درام در تئاتر ایران آمدند

● احمد محمدتیریزی | خبرنگار گروه فرهنگی

■ در ماه‌های اخیر، اتفاقی امیدوارکننده در تئاتر ایران بیش از گذشته به چشم می‌آید و آن بازگشت ادبیات به صحنه است. نگاهی به فهرست نمایش‌های در حال اجرا نشان می‌دهد شمار قابل توجهی از کارگردانان، به جای تکیه بر متن‌های شستاب‌زده یا ایده‌های کم‌جان نمایشی، سراغ رمان‌ها و نمایشنامه‌های شاخص جهان رفته‌اند. از هاروکی موراکامی و لنا آندرشون گرفته تا جی. کی. رولینگ، فرانتس کافکا، آنتوان دوستو‌وِزوپِی، ژان تولی، ژان پل سارتر، آنتون چخوف و جدی معوض، همه آثارشان حالا روی صحنه تئاتر ایران جان گرفته‌است | **صفحه ۱۶**



آمدیم بگویم نوکرتان هستیم

● فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

■ علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی و وحید شمسایی، سرمربی تیم ملی فوتبال کشورمان در اقدامی تحسین‌برانگیز خود را به جنوب کشور رساندند تا نشان دهند مرام پهلوانی و مردم‌داری تنها به حرف نیست | **صفحه ۱۳**